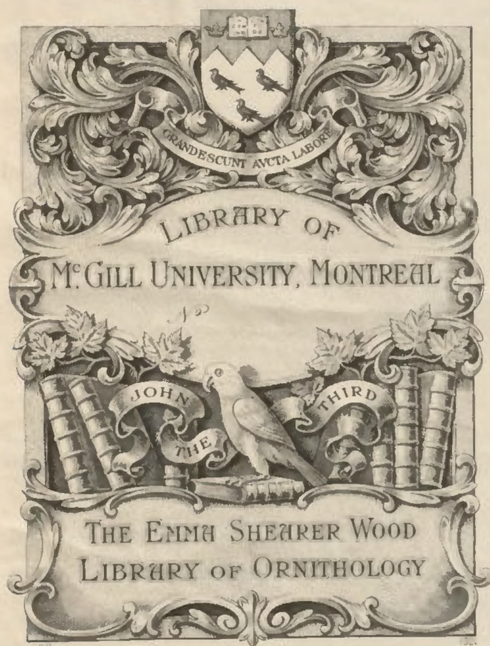

GRANDESCUNT AVCTA LABORE
LIBRARY OF
MC GILL UNIVERSITY, MONTREAL
JOHN THE THIRD
THE EMMA SHEARER WOOD
LIBRARY OF ORNITHOLOGY

 Ṣaydiyya, by ?

میر فاهم

[illegible]

Lucknow
25.II.27.
W.

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بیحد و غایت و شکر بیعد و نهایت پادشاهی را سزاوار است
که مرغابیان دلهای عارفان آگاه شکار باز بلند پرواز مشیت
اویند و آهوان شیرگیر سیاه چشمان فریبنده نگاه صید کمند قول
بنداراوت او نسر طایر در چنگال عنقای قدرتش مرغیست
بی بال و پر و گاو سپهر در پنجه شیر حکمتش صید نیست لاغر و درود و سلام

و تحیت و اکرام بر ساحت بلند نوای قاب قوسین او ادنی که در لسان

از فصاحت نوای سبحان الله الذی اسری طایر بستان گلشن انا ارسلناک

الا رحمة للعالمین هدهد بشارت لا تقنطوا من رحمة

الله رسانند وحشیان عاصی از دام گناه در زلال ولای

بادا اما بعد بر ضمایر مطالعه کنندگان این اوراق پوشیده و مخفی

نباشد که بنابر التماس بعضی از عزیزان این چند سطر در باب

حرام و حلال حیوانات بحری و بری بموجب مذهب امامیه از چند

کتب شیعه که اسامی آنها مرقوم میگردد انتخاب نموده شد

و التوفیق و الاعانة منه سبحانه اسامی کتب مذکوره این است

تحریر و قواعد و ارشاد و شرایع و مختصر نافع و دروس و لمعه

و نفلیه و تنقیح و این رساله مشتمل است بر سه فصل فصل اول

در بیان صید کردن ماهی بدانکه صید کردن و ذبح

نمودن ماهی عبارت است از بیرون آوردن او از آب

زنده و در وقت بیرون آوردن او از آب بسم الله گفتن شرط

نیست و همچنین مسلمان بودن کسیکه ماهی بگیرد و نیز شرط نیست

بلکه ماهی گرفتن کافر هم جایز است خواه کافر کتابی باشد

و خواه غیر کتابی از هر جنس از کفار که باشند لیکن در ماهی که

کافر بگیرد پس اما بدانکه شرط است که مسلمان در حالت

گرفتن او و از آب برون آورد زنده ببیند تا حلال باشد

و اگر کافری ماهی گرفت و از آب بیرون آورد و مسلمان

او را زنده ندید و مرد حرام است و اگر کافر ماهی گرفت

و مسلمان او را زنده بدید و هنوز از کافر گرفت و درست

کافر مرد و حلال است **فصل دوم** مسئله در آنکه مذهب امامیه از جنس ماهی

آنچه فلوس دارد حلال است و اگر چه فلوس از وی زایل

شود مانند کنعت و کنعت نوعی از ماهی است و حرام است

از جنس ماهی آنچه فلوس ندارد و در مار ماهی و زمار و زمور

و جری دو روایت اظهر آنست که حرام است و بعضی گفته اند (خلاف است)

که مکروه است و در مختصر نافع گفته حلال است ماهی روبیان

و از [illegible] و چون سنگ دریای گویند و او را

ماهی شبه

دو دیار بسیار میخورند و همچنین گفته رتیلا و طمر و طیرا

اهلی حلال است مسئله بمذهب امامیه حرام است

کشف سنگ پشت سندوی کچهوا و خوک و سگ آبی و خوک آبی

مسئله وارد می اید و گوسفند آبی و باقی حیوانات که در آب میباشند تمام حرام اند

و اگرچه از جنس ایشان آنچه در خشکی باشند و حلال باشند مثل گاو

آبی و غیر و آنک مسئله بمذهب امامیه حرام است ماهی

که در آب مرده باشد و در روی آب میگردد و مثل آنکه

ماهی بسببی مرده باشد مثل گرمی آب یا لی مسئله

بمذهب امامیه آنست که اگر ماهی مرده در دست مسلمان

باشد حلال است خواه مسلمان عادل باشد و خواه فاسق

مسئله بمذهب امامیه آنست که اگر ماهی گرفته زور او در دام

یا غیر آن [illegible] نگاه داشت و همان ماهی بعد از آن ماهی گشت

ذا باب رفت و در آب مرد حرام است مسئله اگر صیاد

دامی نهاد و ماهی بسیار در آن دام افتادند و بعضی در آب

مردند و بعضی بیرون آب و نتوان امتیاز کرد که کدام

در آب مرده و کدام بیرون آب در این باب امامیه دو قول

است یکی آنکه تمام آن ماهیها حرام اند و یکی آنکه تمام حلال اند

و فتوی بر آنست که همه حرام اند و یکی آنکه تمام حلا و در کتاب

مقنع که از تصنیفات علماء امامیه است گفته که طریق امتیاز

ایشان آنست که آن ماهیها را در روی آب افکنند

هر ماهی که در روی آب بر پشت افتاد و شکم بالا کرد حرام است

و آنچه بر روی آب افتاد و پشت بالا کرد حلال است

مسئله در مذهب امامیه آنست که صیاد ماهی را که دریا

کنار اندازد یا ماهی از آب برون جهد یا آب دریا

و حوض و چشمه کم شود و در خشکی تنها اگر آن ماهی را بدست

یا بآلتی بگیرند و بمیرد حلال است و اگر بنظر صیدی نباشد تا بمیرد

اما درست و اگر جواز آنگیرند در این دو قول است یکی حلیت و یکی

حرمت و بیشتر از علما بر حرمت رفته اند مسئله در مذهب

امامیه آنست که اگر صیاد ماهی را از آب برون آورد و از و

پارچه برید آن پارچه حلال است خواه ماهی بمیرد و خواه

و ماهی گرده در آب رود و خواه مستقر هم در رشته باشد حلال است

میان علمای امامیه در آنکه ماهی زنده را خوردن و فرو بردن

جایز است یا نه و فتوی بر این است که جایز باشد مسئله

در مذهب امامیه جایز است صید کردن ماهیانی بحری نجس باشند

چون خوک و گوشت مردار و ماهیی که بآن چنین کنند حرام نمیشود

در مذهب امامیه آنست که اگر شکم ماهی بشگافند و از ان ماهی

فلوس دار بیرون آید حلال است و شیخ ابن ادریس گفته

حلال است بشرط آنکه وقت گرفتن زنده بوده باشد و اگر

شکم ماهی پاره کنند و دران ماهی فلوس دار بیابند بعضی از فقها

گفته اند حلال است بشرط آنکه فلوس دار و باشد و پوست

ازو جدا نشده باشد و شیخ ابن ادریس رحمه الله

گفته فلوس او هر جا باشد پاره باشد او جایز باشد و خواه

باشد مسئله در مذهب امامیه حرام است هر ماهی که در آب

نجس باشد و هر گاه که بدو ماهی شبانه روز در آب پاک نگاه دارند

خوردن آن جایز است خورد

و در آن آب چیزی که ماهی خورد و حلال می‌شود مسئله

در مذهب امامیه تخم ماهی تابع ماهی است هر ماهی که حلال است

تخم و بیضه او حلال است و آنکه حرام است تخم او حرام است

و اگر بیضه و تخم ماهی حلال و حرام جمع یکجا شوند و امتیاز نتوان

کرد ببینند آنچه پوست او درشت باشد حلال است و آنچه پوست

او نرم باشد حرام است فصل دوم در بیان آنچه حلال است

و حرام و مکروه از حیوانات و طیور بمذهب امامیه بدانکه حیوانات

دو قسم اند بحری و بری و احکام حیوانات بحری و صید ماهی

گذشته و حیوانات بری بر چهار نوع اند بهایم و طیور و سباع

و حشرات نوع اول در بیان احکام بهایم یعنی چهارپایان

و آن بر دو قسم است انسی و وحشی از بهایم انسی پنج حلال است

حلال است گوسفند و گاو و شتر و گاومیش و مکروه است
اسب و استر و حمار و کراهت در استر زیاده است از خر و بعضی
از علما گفته اند که کراهت خر از استر زیاده است و خلفی گفته
که شتر و گاومیش مکروه است و از بهایم وحشی حلال است
گاو کوهی و بز کوهی و گاومیش وحشی و آهو و گورخر و آن نوعیست
از حیوانات و ابن ادریس از علمای امامیه گفته که گورخر مکروه
است و باقی آنها را بابن غیر مذکور حرام است گوشت ایشان
نوع دوم در بیان احکام طیور بدانکه از مرغان آنچه طوق
دارد حلال است مثل قمری و بوسیه و کبک و دراج و تیهو
و کبک و کبوتر و مرغ خانگی و مرغ صحرایی و چاوره و کلنگ و زاغ
سیاه که پای و منقار او سرخ است و زاغ خاکستر رنگ و بط

و فاره و سرخاب و کبجشک تمام حلال اند و مکروه است هدهد و پرستوک

و فاخته و خرچال و قبره و مکروه است صرد و شقراق و صلوام از انها

نیز باده هست و حرام است کلاغ نیز و سیاه که در کوهها میباشد

و مردار میخورد و طاوس و شب پره نیز حرام اند و همچنین حرام است

هر جانوری که سنگدان و چینه دان و خار پس پا چنانچه دراج

و خروس را می باشد نداشته باشد و آنکه

حلال است بدانکه اما هر جانور پرنده که سنگدان و چینه دان

و خار پس پا داشته باشد مگر آنکه در شرع حکم صریح

بحرمت آن وارد شده باشد و بدانکه لازم نیست که این هر سه

داشته باشد بلکه یکی از این سه چیز که داشته باشد کافی است

و همچنین حلال است هر پرنده که در محل پریدن بال [illegible] اکثر

ده و آنچه در محل پریدن بال را کشاده سیر دهد و حرکت نمیدهد
حرام است و آنچه در محل پریدن گاهی بال خود را حرکت میدهد
و گاهی نه اگر حرکت دادن بالش زیاده است از حرکت
ندادن یا هر دو برابر است حلال است و اگر حرکت دادن
بالش کمتر باشد حرام است و در مرغابی نیز همین شرط
است هر چه چینه دان یا سنگدان یا خار پس پا دارند
یا آنکه در محل پریدن بال را حرکت میدهند یا حرکت دادن
بال شان بیشتر است یا برابر بحرکت ندادن و اگر چه بالهای
مجروح بوده باشند **نوع** سوم سباع بهایم و طیور است و در مذهب
امامیه جمیع سباع بهایم که بدندان جراحت میکنند حیوانات
را و صید مینمایند حرام است مثل شیر و پلنگ و سگ و یوز

و گرگ و گربه دشتی و پلنگ و خرس و خوک و روباه و کفتار

و شغال و خرگوش و سوسمار و بداسو و همچنین حرام است

جمیع سباع طیور یعنی آنچه بچنگل خویش جراحت میکند و به صید

نماید طیور را مثل بحری و باز و باشه و شاهین و شقراق و چرغ

و کرکس و عقاب و نسر و رخمه و موشگیر یعنی جباه و حشرات است

و در مذهب امامیه جمیع حشرات مثل مار و کژدم و موش خانگی

و موش دشتی و کوش و دوبر و سوسمار و سنجاب و خارپشت

و سنجل و گربه و عنکبوت و سام ابرص که آنرا بزبان دکنی گرگت

گویند و کلمری و حلزون و خزدوک و زنبور و مگس و کیک و شپشه و

کنه پیش امامیه حرام است ... بمذهب امامیه حلال است

شیر هر حیوانی که گوشت او حلال است و مکروه است شیر هر چه

گوشت او مکروه است و حرام است شیر هر چه گوشت او حرام است
و در شیر گوسفند یا گاوی که مرده باشد اختلاف است بعضی
از امامیه میدانند که حرام است و نجس و بعضی میدانند که حلال است
و پاک و این قول اصح اقوال گفته اند و در مذهب امامیه
تخم جمیع مرغان تابع گوشت ایشان است هر چه گوشت
آن حلال است تخم آن نیز حلال است و هر چه گوشتش حرام است
تخم آن حرام است و آنچه گوشتش مکروه است تخمش نیز مکروه است
و اگر مشتبه شود تخم حلال و حرام و فرق نتوان کرد طریق تمیز شناختن
آنست که ببینند آنچه هر دو طرف او متفق است یعنی هر دو سر
او یک نوع است حرام است و آنچه هر دو طرف او یک نوع نیست همه
مختلف است حلال است و بیضه و تخمی که در شکم مرده باشد

و پوست بالای او محکم شده باشد پاک است و حلال باشد و هر چه گوشت او

حرام و نجس است مسئله شاش و سرگین آدمی و جمیع حیوانات و طیور

ماکول اللحم بمذهب امامیه خوردن آن حرام است مگر شاش شتر که بجهت

شفا خواستن تجویز خوردن آن کرده اند و شاش و سرگین

حیواناتی که گوشت ایشان حلال است پاک است و از حیوانات

که گوشت ایشان حرام است نجس است و از حیواناتی که گوشت ایشان

حرام الشان مکروه است شاش و سرگین اینها مکروه است مسئله

بمذهب امامیه اگر شخصی پارچه گوشت یابد و نمیداند که از ذبح کرده ایشان

اند بعضی گفته اند که از آن اجتناب باید و بعضی گفته اند بالای

اندازند اگر انقباضی در وی پیدا شود بدانند که او پاک است

حلال و اگر انبساطی پیدا شود میته است و حرام مسئله دیگر

در مذهب امامیه حرام است از حیوانی که او را ذبح میکنند
پانزده چیز اول خون مسفوح و مراد از این خون خونیست
رگ بریده
که بیرون می آید وقت بریدن عروق نه خونیکه بعد از
ذبح کردن در گوشت ماند که آن بمذهب شیعه حلالست
و پاک است و حرام است خون غیر مسفوح از حیوانی که گوشت
آن حرام است همچون خون ضفدع و اگرچه نجس نیست دوم
فرث یعنی سرگین که در شکمبه می باشد و بعضی گفته اند که
او چیزی
مراد از فرث چیزیست که در شکمبه می باشد و بعضی
گفته اند که مراد خون بسته شده باشد سوم
طحال یعنی سپرز چهارم قضیب یعنی ذکر پنجم انثیان یعنی
هر دو خصیه ششم مثانه یعنی موضع شاش هفتم مراره یعنی زهره

مشیمه و ان پوستی است که بچه در و می باشد نهم فرج
ظاهر و باطن او حرام است و بعضی گفته اند عوض از باطن
فرج رحم است دهم نخاع یعنی حرام مغز یازدهم علباوان یعنی
دو پی زرد که از پس گردن کشیده تا دم است دوازدهم
ذات الاشاجع مراد از ان اصول اصابع است که متصل
شود و نظام کف سیزدهم حدقه یعنی سیاهی چشم چهاردهم خرز الدماغ
و ان چیزیست زرد و مقابل نخودی که در میان مغز سر باشد
غدد و ان مشهور است و بعضی فرث را داخل سرگین دانسته
پانزدهم
محرمات را چهارده گفته اند چنانکه ازین ابیات معلوم
می شود شعر چهارده چیز ز اجزای فربه حیوان که
حرام است شمار که ان هست حلال غدد و ذات اشاجع

حدقه

حدقه و فرج و قضیب انثیان مردم و علبا و نخاع است و
طحال. پس مثانه است و مرارست و مشیمه و خرزه
یا و کیر اینکه ترا باز رهاند ز ضلال مسئله مکروه است
کباب ماهیه گرده و دو گوشت دل و رگها تمام مسئله
شکمبه ماهیه آنچه حلال است گوشت او حرام میگردد بچند
وجه اول آنست که هر حیوانی که شیر خوک خورد مرتبه که ازان
گوشت او محکم شود و حرام است گوشت او و گوشت
نسل او و اما یک مرتبه بخورد یا بیشتر اما باین مرتبه که گفتیم
نرسیده باشد مکروه است گوشت او و سنت است که
اورا هفت روز خوراک پاک بخورانند و بعده گوشت او
بخورند دوم هر چهارپایی که آدمی باو مباشرت کند حرام

می شود گوشت او و شیر او و همچنین است حکم باقی حیوانات
حلال گوشت چون مرغ و ماهی و غیرها سوم حرام است گوشت
هر حیوانی و طیری که سرگین آدمی را غذا خود سازد و چیز
دیگر نخورد چندانکه گوشت بروید و استخوان سخت کند و بعضی
یک شمار روز نیز معتبر کرده اند و طریق استبرا او پاکی آنست
که مدتی که در شرع مقرر شده او را ببندند و علف و دانه
پاک دهند تا حلال شود و مدت طریق استبرا او شتر چهل روز است
و از آن گاو بقولی اظهر بیست روز و از آن گوسفند ده روز
و از آن بط و آنچه بدو ماند پنج روز و از آن مرغ خانگی
و آنچه بدو ماند سه روز و ماهی یک شبانه روز و غیر این حیوانات
و طیور مدتی معین نیست بلکه استبرا آنست تا آن پاک شود

نمیشود که حکم سرگین خواری ایشان دور شود وایشان را
سرگین خوار نگویند — مذهب امامیه انست که اگر گوسفندی
شراب خورد گوشت او حرام نمیشود ولیکن گوشت اورا
بایدشست وخورد وانچه درشکم او باشد نباید خورد
وهمچنین اگر گوسفندی شیاشی بخورد گوشت او حرام نمیشود
وانچه اندرون اوست نیز حرام نمیشود امّا انچه در اندرون
اوست بایدشست وخورد — بحث امامیه حرام است
کشتنات همه اما حلال است استعمال انچه حیات درو حلول
نمیکند از میته وانچه حیات درو حلول نمیکند ده چیز است
استخوان ودندان و [illegible] شاخ وپشم وموی وکرک وپر بشرط
انکه [illegible] اجزا ببرند واگر بکنند موضع اتصال باید شست

و تخم بشرط آنکه پوست بالا برداشته باشند و نیز باید ... شیر
بر اصح اقوال چنانکه گذشت و حرام است استعمال این اشیا از
سگ و خوک کافر خواه زنده باشد و خواه مرده چه این
هر سه نجس اند فصل سیوم در اسامی حیوانات حرف الالف
ابل را بفارسی شتر و بترکی دوه و بکنی او ابو ایوب
و شیر شتر حلال است بجمیع مذاهب اسد را بفارسی شیر
و بترکی ارسلان و بکنی بابک گویند حکم گوشت و شیر شیر
حرام است پیش امامیه و جمهور علمای اهل سنت و پیش مالک
مکروه است ارنب را بفارسی خرگوش و بترکی طاوشقان
... گویند حکم گوشت حرام است نزد امامیه و مذهب اهل سنت
حلال است افعی را بفارسی مار و بترکی ایلان و بکنی ...

گویند حکم گوشت او حرام است باتفاق امامیه و اهل سنت
ایّل را بفارسی گوزن و گاو کوه گویند و ترکان ترس
را مشغن و ماده را مارال گویند و به کنی [illegible] خوانند حکم گوشت
گوزن و شتران حلال است بجمیع مذاهب ابن آوی را بفارسی
شغال و به کنی گولا و به ترکی چقال گویند حکم گوشت شغال
حرام است بمذهب امامیه و حنفی و شافعی و حلال است بمذهب
مالک ابن عرس را بفارسی راسو و موش خرما
و به ترکی [illegible] و به کنی [illegible] گوشت راسو حرام بمذهب
امامیه و حنفی و حنبلی و حلال است بمذهب شافعی و مالک اوز
را بفارسی بط و به ترکی اردک و به کنی [illegible] گویند گوشت
او حلال است بجمیع مذاهب حرف الباء بازه را بفارسی

و بزکی هم ماه خوانند و ترکی ماه چقانی گوشت ماه حرام است
بجمیع مذاهب بغیر مذهب مالک که مکروه است باشق را فارسی
بودنکی باشه گویند و ترکی قرقو خوانند گوشت باشه حرام است
بجمیع مذاهب بغیر مذهب مالک که مکروه است بحری را فارسی
و ترکی و دکنی همین نام است گوشت او حرام است بجمیع
بجمیع مذاهب و در مذهب مالک مکروه است شغال را فارسی و
ترکی طولکی گویند و بعضی روباه خوانند گوشت شغال بمذهب
امامیه حرام است و بمذهب ابوحنیفه و مالک حلال است
و بمذهب شافعی دو روایت است یکی آنکه ممنوع الاکل
و منهی القتل است و دوم فتوی بر آنست که حلال است
و برغوث را فارسی کیک و ترکی بوره و بعضی تیره خوانند

حکم چون کلنگ اگر در خانه پرورده باشد ماهی خوار نتواند کرد
بجمیع مذاهب مخصوص را بفارسی پشه و بترکی [illegible]
مچه گویند حکم حرام است بمذهب امامیه و در سنت
و مذهب مالک مکروه است بغل را بفارسی استر و بترکی قاتر
و بعربی حمار استر گویند گوشت استر مکروه است
بمذهب امامیه و حرام است بمذهب شافعی و حنبل و حنفی
و مذهب مالک نیز مکروه است بقر را بفارسی گاو و بترکی
نرینه را الثور خوانند و اگر نر گویند و ماده را [illegible]
بقر گویند گوشت گاو و شتر را بجمیع مذاهب حلال است
بوم را بفارسی بوم گویند و بترکی بیاره و فرشته زرد
کوکو خوانند حرام است. گوشت بوم بمذهب امامیه و حنبل

حلال است بمذهب حنیفه و مالک و بکر و ابت نزد امام شافعی

نیز حلال است اما فتوی بر این نیست بنا بر این لفظی است

و نام جانوریست پرنده بزرگ تحجیل ماهی قرار حکم در باب

حلیت و حرمت بنا بر این قولی صحیح بنظر نیامده و خوردن

آن هم شایع نیست اما بنا بر فتاوی و علمای که فقها و

حلیت و حرمت طیور گفته‌اند می‌نماید که حلال باشد چه سگ و آن

و جنبه وان وارد در محل بریدن و نقش زیاده

است و مراد هم بخورد و گوشت هم بکنند والله اعلم بالصواب

حرف الف تذرج بفارسی تذرو و بترکی قرقاول و بعربی

خنکی گویند حلال است گوشت تذرو بجمیع است بمساح

بفارسی ... بترکی ... و بمغولی ... مگر را

اگر پرسند حکم گوشت نهنگ حرام است بمذهب امامیه و حنبل
و حلال است بمذهب حنفی و مالک و دو قول است در مذهب
شافعی اصح آنست که حرام است ترمسی را بفارسی و ترکی
و دوکی همین نام است حرام است گوشت ترمسی بجمیع مذاهب مگر
مذهب مالک که مکروه است حرف الثاء ثعلب را بفارسی
روباه و بترکی تلکی و بدکنی لومری گویند حرام است گوشت
روباه بمذهب امامیه و حنفی و حلال است بمذهب شافعی و حنبل
و مالک حرف الجیم جاموش را بفارسی و بترکی گاومیش
خوانند و بدکنی [illegible] حکم خوردن آن حلال است
باتفاق جمیع علمای است حرف الحاء حباری را بفارسی
چرز و بترکی تغداغ و بدکنی چرجال خوانند حکم حلال است

حرام بجمیع مذاهب و بمذهب امامیه مکروه حجل را بالفارسی کبک

گویند و بترکی زیتاوون خوانند حکم حلال است گوشت کبک

بجمیع مذاهب جرذ را بالفارسی موش گیر و زغن و علیواج

حاد گویند و بترکی جلغاو و بکنی چیل خوانند حکم گوشت

علیواج حرام است بجمیع مذاهب حمار اهلی را بالفارسی خر

الیک و بکنی گده‌ها گویند گوشت و شیر خر بمذهب امامیه و مالک

مکروه است و بمذهب حنفی و شافعی و حنبلی حرام حمار وحشی را

عربان فرا گویند و بفارسی خر گور و بترکی قولان و بکنی

سار گویند حکم حلال است گوشت و شیر خر گور بجمیع مذاهب

حمام را بفارسی کبوتر و بکنی حبوتر و بترکی گوگرچین

گویند حلال است گوشت کبوتر بجمیع مذاهب حوت را

را بفارسی ماهی و به ترکی بالغ و به رکی مجیلی گویند حکم گوشت
ماهی فلوس دار نزد امامیه حلال است و نزد اهل سنت
گوشت جمیع ماهی حلال است و خون ماهی بمذهب امامیه
و ابوحنیفه پاک است و بمذهب شافعی نجس حرف الخا

خطاف را بفارسی پرستوک خوانند و به ترکی قرلغوچ
و به رکی فراستوک گویند حکم گوشت پرستوک بمذهب امامیه
کراهیت شدید است و بمذهب حنفی و مالک حلال است
بمذهب شافعی دو قول است اقوی آنکه حرام است خفاش
بفارسی شپره و به ترکی ... و به رکی شپرک گویند گوشت شپره
حرام است باتفاق همه خنزیر را بفارسی خوک و به ترکی
دونقوز و به رکی سور گویند حکم حرام است گوشت او با جمیع اجزا

خنزیر

خیل را بفارسی اسب و بترکی آت و بمغلی مورا گویند حکم حلال

است گوشت و شیر اسب بمذهب امامیه و مذهب شافعی و حنفی و حنبلی

و مالک نخورند و حرام است نزد ابو حنیفه اما حالیا در مذهب حنفی

فتوی بر آنست که گوشت و شیر اسب بتوان خورد حلال

و بغل را بفارسی خر اسب گویند حرام است بمذهب امامیه و شافعی

و حنفی و بعضی از اصحاب احمد حنبل اما بمذهب احمد حنبل و بعضی

مالک حلال است و دراج را بفارسی تور گویند و بترکی دوکی بزراج

گویند و شیر از بان او را کبک گور گویند حکم در جمیع مذاهب است

گوشت دراج حلال است و دجاج را بفارسی ماکیان و مرغ خانگی

گویند و بترکی تخوق و بمغلی تاکوی گویند حلال است گوشت مرغ

بجمیع مذاهب و دیک را بفارسی و بترکی خروس و بترکی مرغ خروز بنند

حکم خروس

حکم گوشت خروس حلال است بجمیع مذاهب حرف الذال و
ذباب بالفارسی مگس گویند و به ترکی چبین و به ترکی اهلی خوانند
حکم حرام است اما اگر در دیگ آش آش افتد و حل شده شود
و در میان آش گم گردد آن آش حلال است ذیب بالفارسی گرگ و به ترکی
قورت و به ترکی لاند کا خوانند حکم گوشت گرگ حرام است بمذهب امام
حنیفه و شافعی و حنبلی و مکروه است بمذهب مالک حرف الزا
زرافه بهمه زبانها نام وی همین است جانوریست دراز دست
کوتاه پا و گردنش بشتر ماند و شاخ وی مانند شاخ گاو و دست
پایش بپای گاو ماند و پوستش پلنگ و دمش چون دم آهو و دست و پا
های او زانو نیست بلکه در دستهای وی نیست و چون براه میرود
پای چپ را پیشتر از پای راست برمیدارد بخلاف جانوران

16

دیگر و بعضی گفته اند از شتر و گاو وحشی منقولست و دیگر گوشت زرافه

در مذهب امامیه حرام است و بعضی از علماء شافعیه گفته اند حرام است

و فتوی در مذهب شافعی بر آن است که حلال است و بمذهب مالک نیز

حلال است و در مذهب حنفی نقلی صریح در باب گوشت او دیده

نشده و اما شیخ الاسلام گفته که اصول صنعت نقاشان میکنند که حلال

باشند حرف السین سرطان را بفارسی خرچنگ و بترکی اقلان کج و

هندی کیکره خوانند حکم گوشت خرچنگ حرام است بمذهب امامیه

و حنفی و مالک و حنبلی و حلال است بمذهب شافعی سلحفات را بفارسی

سنگ پشت و لاک پشت و کاسه پشت گویند و کشف نیز خوانند و بترکی

توسقه و بهندی کچهوا حکم سنگ پشت حرام است بمذهب امامیه و حنفی

و حنبلی و مالک و حلال است بمذهب شافعی بکر و اصحاب سنجاب را بهم ربان

سنجاب

سنجاب گویند حکم حرام است بمذهب امامیه و حنفی و حلال است
نزد شافعی و مالک نزد ابوحنیفه و شافعی پوستینی که از پوست
او میسازند پاک است سمور را بفارسی کمه و ترکی بو
و مغلی با رکه گویند حکم گوشت گربه حرام است بمذهب امامیه و حنفی
و شافعی و حنبل و بمذهب شافعی گوشت گربه صحرای حلال است و بمذهب
مالک گوشت جمیع انواع گربه حلال است حرف الصاد
صرد لفظیست عربی و او مرغیست شکاری حکم حرام است
گوشت صرد نزد جمهور علما صقر را بفارسی و ترکی چرغ گویند
ترکی انلگو خوانند حکم حرام است گوشت صقر نزد امامیه و حنفی
و شافعی و حنبل و نزد مالک مکروه است حروف الضاد ضب را
بفارسی سوسمار و ترکی کلتجی و مغلی گیوریوه گویند سوسمار

حرام است بمذهب امامیه و ابو حنیفه و حلال است بمذهب شافعی و حنبل
و مالک ضبع را بفارسی و ترکی کفتار و بهندی ترس خوانند حرام است
گوشت کفتار بمذهب امامیه و ابو حنیفه و حلال است بمذهب شافعی و
مالک حروف الطاء طاوس را بفارسی و ترکی هم یکی است و
بهندی مور گویند حکم گوشت طاوس حرام است در مذهب امامیه
و در مذهب حنفی حلال است و بمذهب مالک روی آنکه حرام است
حروف الظاء ظبی را بفارسی آهو و ترکی کییک و بهندی هرن
گویند حلال است گوشت همه اقسام آهو بجمیع مذاهب و مشک نیز
پاک است حروف العین عقاب بفارسی آله و ترکی سار و
بهندی زن کیده گویند حکم گوشت او حرام است بمذهب امامیه
و اهل سنت مگر بمذهب مالک که نزد او مکروه است عقعق

18

بفارسی عکه گویند و بترکی سغسقان خوانند حلال است

گوشت عکه در مذهب ابو حنیفه و مالک و در مذهب شافعی

و دو قول است فتوی بر آنکه حرام است عصفور را بفارسی گنجشک

و بگیلکی چکک و چغوک گویند و بترکی سرچه و بمارچه

و بهندی چڑی خوانند حکم گوشت گنجشک حلال است باجماع مذاهب

عقرب را بفارسی کژدم و بترکی چیان گویند و بهندی بچهو گویند

حکم گوشت حرام است کژدم باتفاق جمیع علماء مذاهب

حرف الغین غراب را بفارسی کلاغ و بترکی قرغه و

کوا گویند حکم حرام است گوشت کلاغ بمذهب امامیه

سیاه رنگ و دم زنه و در کوهها پیدا شوند و مردار میخورند

حلال است و در غراب زاغ که آنرا زاغ گویند و خاکستر رنگ

[illegible] ابو حنیفه حلال است آن جنس غراب که دانه میخورند
و نجاست میخورند و بقول ابو یوسف آنکه دانه و نجاست میخورد
هم حلال است و در مذهب شافعی غراب سیاه کلان او در کوه
نشیند می باشد حرام است و غراب خرد و سیاه و زاغ که چون
دران خلاف است بجز آنچه که دانه میخورد حلال است
و بمذهب مالک اصناف او حلال است حروف الفا
فاخته را بفارسی کوکو و بترکی کاکو و بدکنی پنشیه گویند حکم
حلال است گوشت کوکو بمذهب امامیه است و مکروه است بمذهب
امامیه فاره را بفارسی موش و بترکی سیچقان و بدکنی
چوها حکم گوشت موش حرام است بمذهب امامیه و مذهب شافعی
و حنفی و حنبل موش خانگی حرام است و موش صحرائی
حلال ا

حلال است و در مذهب مالک مکروه قنفذ را بفارسی یوز
و بترکی بارس و بهندی چیتا گویند حکم حرام است گوشت
یوز بمذهب امامیه و اهل سنت و بمذهب مالک مکروه فیل
بفارسی [illegible] بهمین نام است و بهندی هتی حکم حرام است
گوشت فیل بمذهب امامیه و ابو حنیفه و شافعی و حنبل اما نزد مالک
و ابو عبد الله که اصحاب شافعی است حلال است.
قرد را بفارسی بوزینه و بترکی [illegible] و بهندی باندر گویند حکم
حرام است گوشت باندر را بمذهب امامیه و حنفی و شافعی و
حنبل و حلال است بمذهب مالک قمری نام مرغیست مشهور و
بهمه زبان نام وی همین است حکم حلال است گوشت قمری
بجمیع مذاهب اما کسی میل خوردنش نکند قنفذ را بفارسی

خورند و شکار کردن و یکی سیاهی خورند حکم حلال است
خارپشت بمذهب شافعی و احمد و مالک حرام است نزد امام
و حنیفه [illegible] کرگدن را بفارسی و ترکی و بعربی [illegible] نام
است و بعضی بنده گویند حکم در باب حلیت و حرمت وی
روایتی در صحیح مذهب بنظر نیامده و شیخ الاسلام گفته
ظاهر اینست که حلال باشد چه علف میخورد و احتمال دارد که حکم
فیل داشته باشد چه از جنگ بدن دارد و الله اعلم کرگی را بفارسی
و دیگری کلنگ و ترکی ... خوانند حکم گوشت کلنگ حلال است
بجمیع مذاهب کلنگ را جایز است که در دکن معتبر است حکم گوشت
گوشت کلنگ بجمیع مذاهب کلب را بفارسی سگ و بترکی
ایت و بعربی کلب گویند حکم حرام است سگ بجمیع مذاهب

نجس

نجس و بمذهب مالک گوشت سگ مکروه است و خوردنش باکی نیست

حرف اللام لقلق را بفارسی ... و بترکی لک لک گویند حکم گوشت

لک لک بمذهب حنفی حلال است و در مذهب شافعی و دیگر روا است

و بمذهب امامیه بر آنند که حرام نیست چرا که مار میخورد و بمذهب

امامیه روایت صحیح در حلال و حرام او بنظر نرسید اما این شرایطی که در جانوران

حلال گفته اند بعضی دارد حرف المیم مالک الحزین را بفارسی بوتیمار

و بترکی ... و بترکی ... خورند حکم گوشت بوتیمار حلال است بمذهب

اهل سنت و بمذهب امامیه حلیت و حرمت و تصریح بنظر نیامد

اما بعضی شروط حلیت دارد والله اعلم حرف النون نسر را

بفارسی و ترکی کرکس گویند حکم گوشت کرکس در جمیع مذاهب حرام است

و بمذهب مالک مکروه است نعامه را بفارسی و ترکی شترمرغ

و بعضی گویند که گوشت شتر مرغ حلال است اما منع کرده‌اند

نمر بالفارسی پلنگ ترکی قپلان و مغولی بور آنچه خوانند حکم حرام است

گوشت پلنگ و رجیع وی نجس است مگر پوست پلنگ را اگر دباغت کنند پاک است

نمل فارسی مورچه و ترکی قارینجه و مغولی شرغولجین گویند حکم مورچه اگر آزار

نکند و ضرر نرساند کشتن او مکروه است و حرام است و اگر آزار

کند و ضرر رساند آنگاه جایز است کشتن او و در آتش سوختن

و سوختن جایز و روا نیست حرف الواو وعل بالفارسی بز

کوهی و ترکی کایک ... را و تکه نر ... و ماده‌اش بز کوهی

و ... گویند و مغولی ... خوانند کاین حکم گوشت

بز کوهی با رجیع وی پاک است حلال است

... فارسی و ترکی ... حکم ... است گوشت ...

ایام

مذهب امامیه و حلال است بمذهب ابو حنیفه و در مذهب
شافعی حرام است بامه را بفارسی جغد و کوف گویند
و بترکی بایقوش خوانند و بلغت حجفت گویند الحکم حرام است
حید بحمه بحمیع بجمیع بحمیع بحمیع بجمیع است

21

حرف الباء

یربوع بفارسی موش
دشتی و موش دو [illegible] نیز گویند و بترکی آگی [illegible]
لوجه [illegible] خوانند حکم حرام است نزد امامیه
و حنفی و حلال است نزد شافعی و حنبلی و مالکی ۵
تمت [illegible] رساله صیدیه در [illegible] کمال [illegible] دوم
[illegible] محرم الحرام [illegible] ۱۲

[illegible]

6.   8

صیدیه

Z 6.

Ṣaydiyya.

A short treatise on hunting ~~taken~~ from the religious point of view, namely as ~~a lawful profession~~ it is treated by the authorities of the Shiʻite law. An alphabetical list of animals is added, containing the names of different mammals, birds, insects, etc., in Arabic, Persian and Hindi, giving a brief description of every species together with indications of whether its flesh is ~~being~~ lawful for human consumption, or not, etc. The title as above is given in the colophon; the name of the author and the date of composition are not mentioned. The work is divided into three fasls:

فصل اول در بیان صید کردن ماهی بمذهب امامیه، (f.2v)

فصل دوم دربیان انچه حلال است و مکروه از حیوانات و طیور بمذهب امامیه، (f.5v)

فصل سوم در ~~[struck out]~~ اسامی حیوانات، (f.11v)

Beginning of the treatise:

حمد بیحد وغایت و شکر بیعد و نهایت بادشاهی را ... اما بعد بر ضمایر مطالعه کنندگان الخ

Dated the 11th Muharram 1251(?)/ the 9th May 1835.
Ff.21; Size: 21,5×15; 17×8 cm.; lines 11, no jadwals. Brownish Or. pap., thickness 10 = 0,47 mm. Ind. nastaʻlīq. Cond. not good, worm-eaten. Notes at the end.

Small
& by lt